در جهان حوادث

بزرگترین کلاهبردار آمریکا دستگیر شد

ترجمه: هلیا معین

مدیر عامل سابق شرکت وردکام (world com)«برنارد ابرز» بزرگترین کلاهبردار آمریکا شناخته شد و روز گذشته در دادگاه به ۲۵ سال زندان محکوم شد.

«ابرز» ۶۳ ساله وقتی در دادگاه حکم را شنید و از سرنوشت آینده خود مطلع شد آرام آرام گریست و علی رغم تلاش وکلای مدافع وی مبنی بر داشتن بیماری ومشکل قلبی شدید وی باید تا سال ۲۰۲۷ در زندان باقی بماند یعنی تا سن ۸۵ سالگی و در آن زمان چنانچه زندانی خوبی باشد می تواند سه سال زودتر آزاد شود. این دادگاه درست ۴ ماه پس از دستگیری برنارد به اتهام ۱۱ میلیارد کلاهبرداری از شرکت «وردکام» انجام شد. برنادر تمامی این پول را ملکها و زمینها وخانه های مختلف خریداری کرده بود. CNBC و رسانه های دیگر دوران محکومیت او را بین ۳۰ سال و یا شاید حبس ابد پیش بینی کرده بودند. اما با تلاش وکلای مدافع وی قاضی او را به ۲۵ سال حبس محکوم کرد.

«ابرز» یک مرد بلند قامت، با موهای فری سفید و هیکل کاملاً متناسب در حالی که روی صندلیش نشسته بود به پهنای صورت اشک ریخت و از کارخود اظهار ندامت و پشیمانی کرد.

دادگاه وی در منهتن و قاضی این دادگاه

«باربارا جونز» بود.

«کریستی» همسر «ابرز» پس از شنیدن حکم به سمت شوهرش دوید و در حالی که او را در آغوش گرفته بود، همراه او اشک ریخت، آنها به هیچ وجه حاضر نشدند با خبرنگاران صحبت کنند.

این کلاهبرداری از سه سال پیش آغاز شد، و سهامداران شرکت کم کم متوجه شدند که میلیاردها دلار از پول شرکت و فروش محصولات در بازار ناپدید شده است.

«جینو کاوالو» یکی از کارمندان این شرکت بود که در دوران بازنشستگی هزارها دلار از پول خود را در این کلاهبرداری از دست داده، وی پس از حضور در دادگاه گفت که ابرز را بخشیده است.

او اظهار داشت: من مطمئن هستم که ابرز در زندان خواهد مرد.

قاضی جونز دستور داد تا محکومیت «ابرز» در ۱۲ اکتبر آغاز شود، وی به مقامات زندانهای دولتی دستور داد تا او را به «بازویستی» بفرستند تا به خانواده اش نزدیک باشد و آنها براحتی بتوانند او را ملاقات کنند.

قاضی اظهار داشت: در مورد این مدت زمان باقی ماند تا اجرای حکم، فردا تصمیم خواهم گرفت که ابرز در زندان بماند یا به قید وثیقه آزاد شود. زیرا او یک خلاف کوچک مرتکب نشده، و با این کلاهبرداری، بسیاری از سهامداران شرکت بامشکل مالی مواجه شده اند و شرکت در شرایط مالی ناگواری قرار گرفته است.

قاضی در ادامه گفت: با توجه به این نکته که ابرز گواهی دروغ در دادگاه داد، می توانستم مجازات او را بیشتر کنم ولی بخاطر شرایط بدنی و بیماری قلبی او از این نکته صرف نظر کردم. یکی از سهامداران این شرکت به نام «هنری برون» در دادگاه گفت: این کلاهبرداری در سال ۲۰۰۲، باعث شد تا من از کار بیکار شوم و تمام زندگی خود را از دست دادم، چه کسی زندگی از دست رفته و آبروی شغلی مرا به من باز خواهد گرداند. «همسر ابرز» مبلغ ۵۰ هزار دلار از دارایی ها و یک ملک شخصی او را در کلبون فروخت و به تعدادی از طلبکاران داد.

ابرز یکی از ۶ مدیر اجرایی این شرکت بود که بیشترین مبلغ کلاهبرداری مخصوص او بود، ۵ تن دیگر در آخر ماه جولای و اول ماه آگوست محاکمه خواهند شد.

گزارش تحلیلی

در امتداد یک رؤیا

جانشینی تازه برای بازاریابی های شبکه ای

بردیا ارسطو

پولدار شدن رؤیای قمارگونه خیلی از ما شده است و رؤیایی که گاه می تواند هر کدام از ما را به ورطه ای نابود کننده بکشاند. گاهی موضوع با یک بلند پروازی ساده به پایان می رسد. یعنی برای پولدار شدن به ریسکی تن می دهیم که پایانی ناخوشایند دارد اما گاهی کار به جاهای باریک می کشد و جرمی با مجازات سنگین انتظار ما را.

وقتی موبایل دار شدن و ماکسیما سوار شدن به ارزشهای اجتماعی تبدیل شود و در مقابل درآمدهای جوانان به ۲۰۰ هزارتومان نرسد هر وسوسه ای می تواند دردسرساز شود. هر پیشنهادی می تواند به یک قمار بینجامد و بالاخره پایانی که خدا می داند چگونه رقم بخورد.

یک شبه پولدار شدن این روزها به جز راههایی مثل گلدکوئیست و بازاریابی های شبکه ای راههای جدیدی برای خود یافته است. راههایی مثل جمع کردن سرمایه های اندک و پرداخت سودهایی چند برابر سود بانکهای داخلی. اینجا این پرسش مطرح می شود که تکلیف این ماجراها چیست؟ آیا این ماجرا یک کلاهبرداری مدرن از فرصتهای نیازمندی ماست یا اینکه نه به راستی یک جرم در حال وقوع است که ما خبر نداریم؟

اهواز این روزها پس از ماجراهای مختلفی که در فروردین ماه و خرداد ماه پشت سرگذاشته شاهد تجربه هایی از همین جنس است.

به تاکسی تلفنی ها زنگ بزنید ماشین ندارند گویا همه پیکانها را فروخته اند تا پول آن را نزد سه چهار نفری بگذارند که یک ماهه یا ۴۵ روزه خودروهای نو تحویل می دهند. در اهواز خبری از گلدکوئیست و بازاریابی های شبکه ای نیست اما موجی از یک سرمایه گذاری نامشخص به راه افتاده که دستگاه قضایی مشابه رفتار خود با گلدکوئیست با آن برخورد کرده است. در این بازار جدید که توانسته حتی حجمی از شلوغی دادگستری را بکاهد و بسیاری را به خودرویی جدید برساند با سپرده گذاری مختلف می توان تا ۵۰ درصد سپرده را به صورت جنس سود تحویل گرفت. یعنی مثلاً به ۵۰۰ هزار تومان می توان در مدت زمان یک ماه صاحب یک کولر گازی دو تکه شد. در این پروسه سود به صورت پرداخت پول نیست بلکه به صورت تحویل کالایی با ارزش دو برابر ارزش سپرده است.

اما ماجرا به همین جا ختم نشده است. موضع گیری های مسؤولان قضایی تا بدانجا پیش رفته که یکی از راه اندازان این بازار در تلویزیون استانی خوزستان حاضر شده و کار خود را غیر قانونی تشریح کرده و از مردم خواسته است دیگر به واسطه هایش مراجعه نکنند. جالب اینجاست که در ماجرای شلوغی های اهواز در فروردین ۸۴ تلویزیون استانی حاضر نشد برای خاتمه بخشیدن به نزاعها برنامه ای تدارک ببیند.

قانونی نیست

در پی عام شدن فعالیت گردانندگان بازار پر سود سرمایه گذاری های اندک در اهواز مقامات دادگستری خوزستان واکنش نشان داده و خواستار بازپس گیری پولها از سوی مردم شد. حجت الاسلام سعدی، معاون دادستان اهواز در این واکنش گفته است: مردم باید برای پس گرفتن اصل پول خود هر چه زودتر اقدام کنند زیرا همه در این قضیه که این گونه سود دادن کار معقولی نیست متفق القولند.

وی همچنین در گفت وگویی با ایسنا تأکید کرده است: «مردم باید برای پس گرفتن اصل پول خود هر چه زودتر اقدام کنند و حتماً متوجه باشند که جلوی این قضیه گرفته شده و دیگر سرمایه خود را وارد این چرخه نکنند.»

وی در تشریح این ماجرا گفته است: «کار این افراد در ابتدا و در سال ۸۳، یک فعالیت اقتصادی معقول بود که در مدت سه ماه ۲۰ تا ۲۵ درصد سود یا کالا به صاحب وجه پرداخت می کردند. اما بعدها آرام آرام بر اثر اقبالی که به این ها شد، کار را توسعه دادند و رقیب پیدا کردند. رقبای بعدی مدت را پایین و درصد سود را بالا بردند تا اینکه بالاخره همزمان با انتخابات شاهد رقابت غیرمعقول بین این افراد شدیم به شکلی که برای مدت ۱۵ روز، ۶۰ درصد سود تعیین کردند».

حجت الاسلام سعدی با بیان اینکه درباره نحوه فعالیت این افراد تحلیل های زیادی شده است افزوده: «همه در این قضیه که این گونه سود دادن کار معقولی نیست و هیچ منطق اقتصادی نیز بر آن حاکم نیست، متفق القول بودند. ما بر اساس فرضیه ای که توسط عده دیگر شکل گرفته بود مبنی بر اینکه دکتر احسان تبریزی در دبی این افراد را نماینده خود کرده، تماس برقرار کردیم و وی اعلام برائت خود را به صورت مکتوب برای ما فرستاد و متذکر شد که ما هیچگونه نمایندگی در ایران نداریم و سودهای کلان را غیر قابل توجیه می دانیم.»

تحلیل معاون دادستان خوزستان در این باره بر این موضوع تأکید دارد که: «مجموع این قضایا باعث شد تا به این نتیجه برسیم که این مطلب کلاهبرداری بزرگ است و مردم با سرمایه گذاری، از رسوب پول های خود سود می گیرند و از این رهگذر پول جابه جا می شد. بعضی مراجع نسبت به ادامه روند کار ایشان استفتاء کردند. مراجعی چون آیت الله العظمی فاضل لنکرانی، مقام معظم رهبری، آیت الله شاهرودی و آیت الله سیستانی حرام بودن این معامله را متذکر شدند.»

در این حالت قانونی برای رسیدگی وجود دارد. بند (ه-) ماده یک قانون مجازات اخلالگران در نظم اقتصادی کشور مبنی بر وصول وجوه کلان به صورت قبول سپرده اشخاص حقیقی یا حقوقی تحت عنوان مضاربه و نظائر آن که موجب حیف و میل اموال مردم یا اخلال در نظام اقتصادی کشور شود، جرم محسوب و مرتکب به مجازات های مقرر در این قانون می شود، یادآور شد: «با توجه به این قانون که در ۱۹ آذر ۶۹ به تصویب رسید ما مشغول به کار شدیم و آوردن آنها را در دستور کار خود قرار دادیم.»

اما موضوع واکنش ها به همین جا ختم نشد. امیر خانی دادستان اهواز نیز دراین باره به اظهار نظر و دادن هشدار پرداخت.

وی تأکید کرد: «افرادی با تشکیل شبکه های غیرقانونی وبدون مجوز اقدام به فعالیتهای اقتصادی می کنند

مردم نزد این افراد سرمایه گذاری نکنند

وی در اطلاعیه ای هشدار داده است: «نظر به اینکه افرادی با تشکیل شبکه های غیرقانونی و بدون مجوز از سوی مراجع ذیربط مبادرت به فعالیتهای اقتصادی کرده و از این طریق سرمایه کلانی را از مردم در اختیار خود قرار داده اند و بیم بروز مشکلات اجتماعی در این خصوص وجود دارد، لذا بدینوسیله ضمن اخطار به کلیه متولیان و دست اندرکاران این شبکه های غیرقانونی در جهت عدم ادامه این روند، به اطلاع کلیه شهروندان می رساند چون هیچگونه تضمینی برای انجام تعهدات احتمالی مورد ادعای این افراد وجود ندارد توصیه می گردد از مراجعه و سرمایه گذاری نزد آنها خودداری کنند.»

خلایی جرمزا

در کشور ما برای سرمایه های اندک همواره خطرات جدی و خطرناکی وجود داشته و دارد زیرا متولیان بانکداری برنامه ای جذاب و معقول برای دارندگان سرمایه های اندک که صاحبانش کسی جز مردمان قشر ضعیف و فقیر جامعه نیستند ندارد.

نگاهی به بحرانهای صندوق های قرض الحسنه در استانهای مختلف کشور از جمله اصفهان، خراسان فارس و ...تجربه خوبی است که می تواند بیانگر فرصتهای جرمزا و خلاهایی باشد که مورد سوء استفاده تبهکاران و سودجویان قرار گیرد. صندوق های قرض الحسنه محل مناسبی برای جمع آوری سرمایه های خرد است که می تواند به درد عده ای در قالب وامهای قرض الحسنه بیاید اما عده ای سود جو با توجه به نیاز مردم به وام و پول برای مشکلات متعدد از ازدواج تا ودیعه خانه و ... گرفته تا پرداخت دیه و بدهی اقدام به راه اندازی صندوقها و کلاهبرداری از طریق آن کردند.

موضوع گلدکوئیست هم از همین جا ناشی شده است که بانکداری ما به درستی پاسخ مناسبی به سرمایه های خردی که جوانان و یا خانواده هایشان دارند نداده است. از طرفی خیلی جوانان و دارندگان سرمایه های خرد درصددند تا با به کار بستن همان اندک بتوانند وضعیت خود را ارتقا دهند.

در چنین فضایی که سرمایه هایی اندک توان چرخش مناسب و رشد ندارند و راهی برای ماشین دار شدن نو کردن وسایل خانه و .... نیست راه افتادن بازارهایی مثل بازارهای اهواز غیرقابل اجتناب است. حالا این مایيم و سیستمهای بانکداری خودمان و فرصتهایی که به سودجویان می دهیم و مردمی که می خواهند زندگی در خور شأنی داشته باشند و از وسایل مدرن و نو امروزین هم بهره ببرند.

بررسی پرونده های اخیر آدم ربایی

جراحی یک جرم برای درمان

مهشید مجلسی

جرمشناسان و متخصصان علوم جنایی و آنها که برای مبارزه با جرایم تلاش می کنند به خوبی می دانند وقتی از یک جنایت سه فقره یا بیشتر با خصوصیاتی مشابه روی داد و سرنخ های مکشوفه در آن جرایم مشابه بود احتمال وجود یک عامل برای ارتکاب آن جرایم قوی است و به اصطلاح یک سری جنایات سریالی محتمل است.

از این روش و آموزه متخصصان علوم جنایی می توان بهره برد و حتی آن را تعمیم داد. به عبارت دیگر می توان این روش را برای انگیزه شناسی یک واقعه که مرتب از جنس آن در حال تکرار است بهره جست. جرایمی که البته مثل جنایات سریالی عامل ارتکاب مشترک ندارند ولی انگیزه و دلایلی مشترک با مشابه دارند. متأسفانه در کشور ما از این نوع کار یعنی تحلیل یک سری جنایت و یافتن راهکاری برای آن بهره ای نمی برند. نمونه آن هم که دیگر به فصل مشترک همه اظهار نظرهای تکراری و نقطه مشترک برگزاری همه میز گردها تبدیل شده ماجرای جنایات پاکدشت است.

اگر بخواهیم در این باره با تعمیم روش شناسایی عامل جنایات سریالی بیشتر حرف بزنیم باید بگوییم درهمان حالی که همه سرگرم ماجراهای بیجه و باغی بودیم چندین واقعه شبیه به جنایات پاکدشت در تهران روی داد اما هیچ گاه فصل مشترک این وقایع به عنوان سرنخی برای شناسایی عامل وقوع و رویداد مورد کالبدشکافی قرار نگرفت. اینک نیز در طول همین یک هفته اخیر چند جنایت از یک جنس و در واقع مواردی از یک جرم در سه نقطه کشور به وقوع پیوست. با توجه به این که مدت عملیات پلیس در این موارد طولانی بوده و در یک مورد هم قربانی جنایت به شدت آسیب دیده، به نظر می رسد این پدیده از حالت معمول یکی دو سال اخیر خود خارج شده و رنگ غلیظی از خشونت و قساوت را چاشنی عمل خود کرده است.

این تغییر رفتار می تواند به گونه ای دیگر هم تعبیر شود. مرتکبان اخیر بر خلاف مرتکبان قبلی به نوعی با این ابراز خشونتها بر جرم ارتکابی پافشاری می کنند و از طرف دیگر به نوعی مجرمانه تر رفتار می کنند.

این درحالی است که پیش از این مرتکبان به نوعی در پی یک وسوسه مالی و طمع ورزی فقط به فکر کسب پول بودند و نه آزار و اذیت.

گروگانگیری های اخیر در مشهد، کرمانشاه و کرمان سه ماجرا از وقوع یک جرم است که با توجه به تکرار آن در یک دوره زمانی کوتاه و خصوصیات زمانی نیازمند یک بررسی فوق العاده و کالبد شکافی دقیق برای شناسایی عوامل و انگیزه هاست.

سه جنایت سه رنگ خطر

رباینده گان کودک ده ساله کرمانی به دام افتادند.

فرمانده انتظامی استان کرمان گفت: پس از گذشت ۴۷ روز مأموران این فرماندهی موفق شدند کودک ربوده شده کرمانی که (امین خرم) نام دارد را از چنگال آدم ربایان آزاد نمایند.

به گزارش سایت اطلاع رسانی پلیس سردار «ولی الله نانوا کناری» فرمانده انتظامی استان کرمان اعلام کرده است: این کودک ده ساله که فرزند یکی از کسبه معروف شهر کرمان است اواسط خردادماه امسال از مقابل در مدرسه اش توسط پنج نفر مسلح ربوده شد.

وی یادآور شد: با مراجعه پدر این کودک به نیروی انتظامی بلافاصله اکیپی از نیروهای مجرب معاونت اطلاعات فرماندهی انتظامی شهرستان کرمان مأمور رسیدگی به این پرونده شدند در همین حال در کرمانشاه نیز وقایع مشابهی روی داد.

گروگانگیری برای ۱۵۰ میلیون تومان موضوع این آدم ربایی بود. سایت اطلاع رسانی پلیس در این باره نیز گزارش داد با دستگیری دو گروگانگیر حادثه گروگانگیری ۳۰۰ میلیون تومانی کرمانشاه نیز پایان یافت. در این حادثه یکی از گروگانگیران پس از قرار گرفتن در حلقه محاصره پلیس با شلیک گلوله خودکشی کرد..

> گروگانگیری های اخیر در مشهد، کرمانشاه و کرمان سه ماجرا از وقوع یک جرم است که با توجه به تکرار آن در یک دوره زمانی کوتاه و خصوصیات زمانی نیازمند یک بررسی فوق العاده و کالبد شکافی دقیق برای شناسایی عوامل و انگیزه هاست.

بر اساس این گزارش چندی پیش فردی به نام «حاج علی - الف» به پاسگاه انتظامی «سراب نیلوفر» شهرستان کرمانشاه مراجعه کرد و اظهار داشت: فرزند ۱۷ ساله ام به نام «حسین» توسط چند فرد ناشناس که به دو قبضه سلاح کلت و کلاشینکف مسلح بودند ربوده شده است. آدم ربایان با تماس تلفنی ابتدا درخواست ۳۰۰ میلیون تومان در قبال آزادی فرزندم را نمودند ولی چون جواب مثبتی دریافت نکردند در تماس بعدی مبلغ درخواستی را به ۱۵۰ میلیون تومان و ۵۰ میلیون تومان کاهش دادند.

تحقیقات اولیه پلیس نشان داد، رباینده گان پس از ناکامی در دریافت پول «حسین» را به مخفیگاهی منتقل کرده اند.

کارآگاهان اداره آگاهی کرمانشاه با همکاری کامل مقامات قضایی پرونده را به سرعت پیگیری کردند. به طوری که ۴۸ ساعت پس از حادثه و با کار اطلاعاتی دقیق مخفیگاه متهمان را شناسایی و دو آدم ربا را دستگیر می کنند.

این گزارش حاکی است، سومین آدم ربا با اطلاع از موضوع، گروگان را در محلی رها و با یک قبضه اسلحه به سوی کوههای اطراف فرار می کند. از سوی دیگر فردی از بستگان گروگان نیز بدون توجه به هشدار و تذکر پلیس و حتی مخالفت خانواده «حسین»، به تعقیب آدم ربا می پردازد که توسط متهم ۲۷ ساله هدف گلوله قرار می گیرد و متأسفانه در بیمارستان فوت می کند.

پلیس ضمن انتقال مجروح به بیمارستان، به جست وجو برای دستگیری فرد متواری پرداخته و در آستانه دستگیری متهم قرار می گیرد. متهم پس از این که همه راهها را بر روی خود بسته می بیند با شلیک گلوله به زندگی خود پایان می دهد.

اما مهمترین ماجرا در مشهد به وقوع پیوست که پس از ۴ ماه تلاش پلیس نتیجه داد.

فرمانده انتظامی استان خراسان رضوی در این باره به سایت اطلاع رسانی پلیس گفته است: مأموران پلیس آگاهی استان آگاهی و فرماندهی انتظامی مشهد پرده از پیچیده ترین پرونده ربایش و گروگانگیری در استان خراسان رضوی برداشتند.

سردار احمدرضا رادان در مصاحبه مطبوعاتی و در جمع خبرنگاران تأکید کرد: این پرونده از لحاظ گروگانگیری و نوع کار فنی که روی آن صورت گرفت منحصر به فرد بود و عوامل نیروی انتظامی موفق شدند امیر سالار را پس از ۵ ماه به آغوش خانواده اش بازگردانند.

وی گفت: ساعت ۱۲/۵ ظهر روز دوازدهم اسفندماه سال گذشته هنگامی که امیر سالار ۸ ساله از سرویس مدرسه اش پیاده شد و قصد وارد شدن به منزل را داشت توسط چند نفر و به وسیله یک دستگاه خودروی پژو ربوده شد و در ساعت یک همان روز آدم رباها به خانواده کودک اطلاع دادند که فرزندشان در اختیار آنهاست و در تماس های بعدی خواسته هایشان را خواهند گفت.

وی افزود: متهمان خانواده کودک را تهدید کردند که نباید به هیچ وجه پلیس را در جریان امر قرار دهند در غیر این صورت جان امیر سالار در خطر خواهد بود. آنان در تماس بعدی از خانواده کودک برای آزادی وی ۳۰۰ میلیون تومان پول طلب کردند.

وی گفت: متهمان به دلیل این که احتمال می دادند صدایشان از طریق خطوط تلفن ردیابی شود نوارهای کاست مختلفی را ضبط کرده و در تماس تلفنی کوتاه از خانواده امیر سالار می خواهند که به صدای آنها و امیرسالار گوش دهند. آنان در این مدت ۸۲ بار تماس تلفنی کوتاه با خانواده کودک برقرار کردند.

سردار رادان افزود: تماس های تلفنی آدم رباها با خانواده کودک از شهرهای مختلف همچون مشهد - تربت حیدریه، چناران، سبزوار، کاشمر، نیشابور، تهران و مسیر تهران و خاوران انجام شده است. آنان می دانستند با تغییر مکان، ممکن است بتوانند در زنی احتمالی پلیس را از بین ببرند.

وی اظهار داشت: در این مدت مأمورین معاونت آگاهی استان و فرماندهی انتظامی مشهد در کنار مقام قضایی با تشکیل اکیپ های ویژه، تلاش شبانه روزی خود را برای دستگیری متهمان ادامه می داد که پس از دو ماه و در تاریخ ۲۱ اردیبهشت ماه اولین قرار حضوری خود را با خانواده کودک می گذارند.

وی تأکید کرد: متهمان برای چک کردن محل و اطمینان از عدم حضور نیروهای پلیس در محل قرار حاضر نشدند و در تماس بعدی اعلام کردند که پول درخواست شده باید تبدیل به سکه و ارز شود تا امکان جابجایی آن آسانتر باشد. در چند قرار بعدی نیز در محل حاضر نمی شدند تا توجه و تمرکز پلیس را از بین ببرند.

انگیزه هایی مشترک برای یک جنایت

بررسی همین خبرها حکایت از آن دارد که مهمترین انگیزه کسب پول قابل توجه و کلان است. البته سردار محمد نوری چندی قبل در حالی که در مرکز ۱۹۷ پلیس به انتقادات و پرسش های مردمی پاسخ می داد در تشریح علل آدم ربایی و گروگانگیری گفت در درجه اول گرفتن پول معاملات ناصواب مواد مخدر و در درجه بعدی به دست آوردن پول و انتقام جویی انگیزه های این جرم محسوب می شود. حال که فصل مشترک این جرم مشخص شد باید به فکر بررسی و طراحی راههای مبارزه با این جرم بود. رؤیای یک شبه پول دار شدن هم در این جرم قابل لمس است.